

| | |
|---|--|
| Andishe-e-Taqrib.38 Vo1.14, No.3, Autumn 2018, P. 73- 109 | اندیشه تقریب. ۳۸ سال چهاردهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷، پیاپی ۳۸ ص ۷۳ - ۱۰۹ |
|---|--|

مبانی قرآنی اندیشه امام خمینی علیه السلام در نام‌گذاری روز جهانی قدس

سید مصطفی حسینی رودباری*

چکیده

در مقاله حاضر به تبیین مبانی قرآنی اندیشه امام خمینی علیه السلام در نام‌گذاری روز جهانی قدس پرداخته‌ایم. اصولی نظیر دفاع از مظلوم، دفاع از مسلمانان ستم‌دیده و مستضعف، نفی سلطه کفار، وحدت اسلامی، عزت و اقتدار اسلامی، امریه معروف و نهی از منکر، خشم‌آفرینی، ارهاب و تخویف دشمنان، که همگی برگرفته از قرآن کریم هستند، در این مقاله به صورت تفصیلی مورد بحث قرار گرفته و با راهکاری که امام در حل مسئله فلسطین و مشکلات جهان اسلام بیان کرده‌اند، تطبیق گردیده است.

بررسی دقیق دیدگاه‌های امام درباره قدس، علاوه بر اینکه بیانگر نگرش عمیق او درباره معارف قرآن کریم است، از گستره افق اندیشه او در شناخت دشمن حکایت می‌کند. از منظر امام، روز قدس به ملت مظلوم فلسطین اختصاص ندارد، بلکه رمز رهایی مستضعفان جهان از چنگال مستکبران است.

واژگان کلیدی: قرآن، امام خمینی علیه السلام، قدس، فلسطین، اسرائیل، مستضعفان،

مستکبران.

* . دانش‌آموخته سطح چهار حوزه (دکتر) roudbari.hosinh@yahoo.com

مقدمه

ابتکار تاریخی و ماندگار امام خمینی رحمته الله علیه در نام‌گذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس، نشئت گرفته از بینش عمیق وی به معارف قرآن و شناخت همه‌جانبه دشمن است. افق اندیشه امام در شناخت لایه‌های پیچیده دشمن را از آنجا می‌توان فهمید که ایشان بر خلاف بسیاری از تحلیل‌گران قضیه فلسطین که آن را به منطقه خاصی از خاورمیانه محدود دانسته و هدف نهایی‌شان را فقط به آزادی قدس معطوف داشته‌اند، روز قدس را نمادی از مبارزه همه‌جانبه مسلمانان با مستکبران می‌دانند. روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است، روز حکومت اسلامی است، روزی است که بیرق جمهوری اسلامی باید در سراسر کشورها برافراشته شود، روزی است که باید به ابرقدرت‌ها فهماند که دیگر آن‌ها نمی‌توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند (امام خمینی، بی تا، ج ۹، ص ۲۷۸).

گستره نگاه امام در اعلام روز جهانی قدس حتی فراتر از مرزهای جوامع اسلامی است و از منظر ایشان، بزرگداشت روز قدس رمز رهایی مستضعفان جهان از چنگال مستکبران خواهد بود. روز قدس، روزی جهانی است و روزی نیست که فقط به قدس اختصاص داشته باشد؛ روز مقابله مستضعفان با مستکبران است؛ روز مقابله ملت‌هایی است که در زیر فشار ظلم آمریکا و غیرآمریکا بودند؛ روزی است که باید مستضعفان در مقابل مستکبران مجهز بشوند و دماغ مستکبران را به خاک بمالند (همان، ص ۲۷۶).

سیره نظری و عملی امام رحمته الله علیه از زمانی که ایشان در راه مبارزه قدم گذاشت، حاکی از اهتمام جدی ایشان به مسئله فلسطین مظلوم، اوضاع ذلت‌بار مسلمانان در جوامع اسلامی و نجات مستضعفان از چنگال مستکبران است. همان‌طور که قرآن

کریم منبع نخست بینش‌ها و گرایش‌ها و مواضع فکری و عملی مسلمانان در ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی است، باید مبانی اندیشه امام را که سبب نام‌گذاری روز جهانی قدس شده است، در قرآن جست‌وجو کرد.

مبانی قرآنی روز قدس

به‌طور کلی مبانی قرآنی اندیشه امام در نام‌گذاری روز جهانی قدس را می‌توان اصول ذیل دانست که همه برگرفته از قرآن کریم هستند:

۱. دفاع از مظلوم و مستضعف قطع‌نظر از عقیده و مذهبی خاص؛
 ۲. دفاع از مسلمانان مظلوم و تحت‌ستم؛
 ۳. نفی سلطه کفار بر مسلمانان؛
 ۴. خشم‌آفرینی دشمنان؛
 ۵. ارباب و تحقیر دشمن؛
 ۶. وحدت مسلمانان؛
 ۷. اقتدار و عزت مسلمین در برابر کفار؛
 ۸. امر به معروف و نهی از منکر.
- در این مقاله نخست به تبیین قواعد مذکور می‌پردازیم و آن‌گاه در ذیل هر یک از آن‌ها به تطبیق اندیشه امام علیه السلام - در نام‌گذاری روز جهانی قدس - بر آن خواهیم پرداخت.

۱. اصل لزوم دفاع از مظلوم و مستضعف

در اثبات این اصل قرآنی به آیات متعددی استناد می‌شود:

الف) ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾ (نساء (۴): ۷۵).

تبیین

آیه مذکور با لحنی شدید مسلمانان را به دلیل بی‌توجهی و پیکار نکردن برای رهایی مستضعفان از چنگال مستکبران سرزنش می‌کند و از آنان - قطع نظر از هر عقیده و مذهبی که دارند - می‌خواهد به یاری مظلومان و مستضعفانی بپردازند که تحت سیطره ظلم و ستم قرار گرفته‌اند و از خداوند یاری می‌طلبند. تبیین دلالت آیه مذکور بر اصل لزوم دفاع از مظلوم بر ذکر نکاتی مبتنی است:

۱. هرچند براساس دیدگاه بسیاری از مفسران، مراد از مستضعفان در آیه شریفه مسلمانانی هستند که مورد ستم کفار قرار گرفته‌اند - نظیر مسلمین مکه که به دلیل ضعف، توان مهاجرت به سوی مدینه را نیافتند - به کمک روایات تفسیری و نیز سیره نبوی می‌توان آن را به همه مظلومان و مستضعفانی که در سیطره نظام ظلم به سر می‌برند، تعمیم داد؛ نظیر روایت «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» (نهج البلاغه، ج ۳، ص ۷۶) و «إذا رأیت مظلوماً فأعنه علی الظالم» (ری شهری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۷۸۰) و نیز پیمان حلف الفضول که بین عده‌ای از جوانمردان مکه برای دفاع از مظلوم منعقد گردید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از رسالتش بدان متعهد شد و تا پایان عمر شریفش همچنان به آن متعهد ماند (احمدی میانجی، ۱۹۹۸، ج ۳، ص ۱۳۳).

۲. براساس آیه مذکور بر همه مسلمانان لازم است برای نجات مظلومان در بند اقدام کنند؛ حتی آنان که ایمان ضعیفی دارند، از این تکلیف مستثنا نیستند. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید:

«آیه شریفه تحریک و تهییجی است برای تمامی مؤمنین، چه آن‌هایی که ایمانشان خالص است و چه آن‌هایی که ایمانشان ضعیف و ناخالص است. اما آن‌هایی که ایمانشان خالص و دل‌هایشان پاک است، برای به حرکت درآمدنشان به سوی قتال، همان یاد خدای عزوجل کافی است

تا برای اقامه حق و لیبیک گفتن به ندای پروردگارشان و اجابت دعوت داعی او به پا خیزند. و اما آن‌هایی که ایمانشان ناخالص است، اگر یاد خدا تکانشان نداد، این معنا تکانشان خواهد داد که اولاً این قتال در راه خدا است و ثانیاً قتال در راه نجات جمعی از مردم ناتوان است که به دست کفار استضعاف شده‌اند».

وی اصل یاری مظلومان را برخاسته از غیرت انسانی می‌داند و می‌نویسد:

«... پیام آیه شریفه به افراد ضعیف‌الایمان این است که اگر ایمانتان به خداوند ضعیف است، حداقل غیرت و تعصب که دارید و همین غیرت و تعصب اقتضا می‌کند از جای برخیزید و شر دشمن را از زنان، کودکان و مردان ضعیف کوتاه کنید» (علامه طباطبایی، بی تا، ج ۴، ص ۴۱۹-۴۲۰).

۳. قرارگرفتن عنوان مستضعفان در کنار نام مقدس الله - تبارک و تعالی -

اهتمام خداوند متعال به لزوم دفاع از مستضعفان و نجات آن‌ها را بیان می‌کند.

۴. آیه پیش‌گفته برای تحریک عواطف انسانی مسلمانان و تلاش سریع در رهایی و نجات مستضعفان از بند مستکبران، به جای به‌کارگیری هیئت امر ﴿قَاتِلُوا وَجَاهِدُوا﴾، آنان را توبیخ و تحذیر می‌کند و با خطابی شدید می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ: چه شده است شما را که به یاری مستضعفان نمی‌شتابید و هیچ اقدامی برای رهایی آن‌ها انجام نمی‌دهید؟ مگر انسانیت در شما مرده است که به ندای انسانی مردم محروم مستضعف بی‌توجه شده‌اید؟﴾

آن‌گاه برای تحریک بیشتر عواطف انسانی می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾.

۵. تحریک و تشجیع مسلمانان به پیکار - جهاد نظامی - برای رهایی مظلومان و مستضعفان با لحن شدید ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ﴾ بیانگر عالی‌ترین و سخت‌ترین مرحله دفاع از مظلومان است که خداوند برعهده مسلمانان گذاشته است؛ از این رو طبق آیه شریفه هرگاه به عللی چنین مرحله‌ای از جهاد میسور نبود، مراحل نازل‌تر آن نظیر دفاع رسانه‌ای، تبلیغاتی، کمک‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی از ذمه مسلمانان ساقط نمی‌گردد؛ چون همه این‌ها برای دفاع از مظلوم خواهد بود.

۶. واژه مستضعف در آیه شریفه عام است و همه انواع استضعاف - سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... - را شامل می‌شود.

ب) ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل (۱۶): ۹۰).

تبيين

در این آیه شریفه جامع‌ترین برنامه اجتماعی مسلمانان تبیین گردیده است: اصول سه‌گانه عدل و احسان و نیکی به نزدیکان (اصولی که جنبه مثبت دارند) و اصول سه‌گانه نهی از فحشا و منکر و بغی (که جنبه منفی دارند). برخی از نکاتی که در این آیه شریفه بیانگر اصل «دفاع از مظلوم و مستضعف» است، عبارت‌اند از: ۱. امر خداوند متعال به مسلمانان و جوامع اسلامی به رعایت عدالت مستلزم آن است که آنان به ظلم و ستم بر مظلومان - فارغ از هر نوع مذهب و عقیده‌ای - بی‌توجه نباشند و برای یاری آن‌ها قدم بردارند؛ چنان‌که علی علیه السلام می‌فرماید: «أحسن العدل نصره المظلوم» (ری‌شهری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۷۸۰).

۲. بی‌توجهی به ظلم و ستم مستکبران مستلزم خروج از حریم عدالت است و عصیان الهی را به دنبال خواهد داشت.

۳. عدالت در آیه شریفه مطلق است و تمامی انواع عدالت را - فردی، جمعی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی - شامل می‌شود.

تطبیق

اشغال فلسطین توسط صهیونیسم جهانی و کشتار بی‌رحمانه مردم آن سامان بعد از جنگ جهانی دوم و آوارگی میلیون‌ها نفر از ساکنان اصلی آن از مصایب دردناکی است که در جهان به اصطلاح متمدن کنونی روی داده است. به‌رغم استمرار این ظلم عظیم انسانی که با حمایت همه‌جانبه نظام سلطه از رژیم اشغاک صهیونیستی همراه گردید، متأسفانه جهان اسلام تاکنون نتوانسته است اقدام جدی و بازدارنده‌ای در این باره انجام دهد. امام خمینی رحمته الله علیه با الهام از قرآن کریم و با اعلام جهانی روز قدس توانست مسلمانان جهان را از ظرفیت عظیم انسانی، اقتصادی، جغرافیایی و نظامی‌شان در مقابله با صهیونیسم جهانی آگاه کند و آنان را به دفاع از مردم مظلوم فلسطین فراخواند. امام خمینی رحمته الله علیه در فرازی از گفتار خویش موضع خود در دفاع از مظلوم را برخاسته از معارف دینی می‌داند و می‌فرماید:

«ما به پیروی از اسلام بزرگ از جمیع مستضعفین حمایت می‌کنیم و از شما - جنبش‌های آزادی‌بخش - و هر سازمانی در جهان که برای نجات کشور خویش به پا خاسته است، پشتیبانی می‌کنیم. ما از مبارزات برادران فلسطینی و مردم جنوب لبنان در مقابل اسرائیل غاصب کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به خواست خدای تعالی بر دشمنان بشریت و اسلام پیروز خواهیم شد. امید است که نصر خدایی و فتح مسلمانان نزدیک باشد» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۱۰).

موضع امام در دفاع از مظلوم با قطع نظر از ملیت و مذهب را می‌توان در گفتار دیگر ایشان نیز مشاهده کرد؛ آن‌گاه که از ایشان سؤال می‌شود: «آیا این درست

است که شما طرفدار اهداف سازمان آزادی‌بخش فلسطین هستید»، ایشان در پاسخ می‌فرمایند:

«ما طرفدار مظلوم هستیم. هرکس در هرکجا که مظلوم باشد، ما طرفدار او هستیم و فلسطینی‌ها مظلوم هستند. اسرائیل به آن‌ها ظلم کرده است. به این جهت ما طرفدار آن‌ها هستیم» (همان، ج ۵، ص ۱۴۸). نتیجه آنکه دفاع مسلمانان جهان از ملت مظلوم فلسطین، با قطع نظر از عقاید و مذاهبشان، از منظر قرآن کریم امری لازم است.

۲. لزوم دفاع از مسلمانان مظلوم و تحت ستم

از منظر قرآن کریم، مسلمانان علاوه بر دفاع از مظلوم - با قطع نظر از مذاهب و مکاتبی که بدان معتقدند - مکلف‌اند از هم‌کیشان خود که به ظلم و ستم دیگران مبتلا شده‌اند، دفاع کنند؛ چون اسلام تمامی مؤمنان و مسلمانان جهان را در حکم پیکری واحد می‌داند که هنگام آسیب دیدن عضوی از آن، سایر اعضا به یاری او می‌شتابند.^۱ در لزوم دفاع از مسلمانان تحت ستم به آیات متعددی از جمله آیات ذیل می‌توان استناد کرد:

الف) ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾ (شوری (۴۲): ۳۹).

تبیین

براساس آیه مذکور، یکی از اوصاف مؤمنان پذیرفتن ستم و ظلم است و از آنان می‌خواهد که در هنگام ابتلا به ستم و ظلم، تسلیم نشوند و در صورت لزوم، از دیگر مسلمانان یاری بطلبند. مؤلف تفسیر *الکاشف* درباره علت لزوم انتصار مظلوم از دیگران می‌نویسد:

۱. «مثل المؤمنین فی تواددهم وتواصلهم وتراحبهم کمثل الجسد إذا اشتكى عضو منه تداعى له سائر الجسد بالحملی والسهر» (تاریخ دمشق، ج ۲۲، ص ۱۶۸).

«عدم انتصار و سکوت در برابر ظلم نوعی کمک به ظالم بوده و او را شریک در گناه ظلم خواهد کرد؛ از این رو انتصار - طلب یاری از مسلمانان - بر او لازم می‌باشد. به همین جهت، در ادامه آیه مذکور آمده است: "و لمن انتصر من بعد ظلمه فاؤلئك ما عليهم من سبيل (همان: ۴۲)" که مظلوم را بابت انتصارش از مسلمانان دیگر، از هر نوع عتاب و سرزنشی مبرا می‌داند» (مغنیه، بی تا، ج ۶، ص ۵۲۹-۵۳۰).

در نتیجه، وقتی براساس آیه مذکور انتصار از ناحیه مظلوم امری ممدوح و از اوصاف مؤمنان است، قطعاً اجابت مؤمنانی که از آنها طلب یاری شده است، امری واجب و لازم خواهد بود؛ چون امر به انتصار بدون الزام به یاری کردن دیگران، بیهوده خواهد بود.^۱

(ب) ﴿وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ﴾ (انفال (۸): ۷۲).

براساس آیه مذکور، هرگاه مسلمانان تحت ستم از هم‌کیشان خود برای دفاع از دینشان طلب یاری کردند، بر آنان لازم است به یاری‌شان بشتابند. علامه طباطبایی نیز با ذکر آیه مذکور می‌نویسد:

«مقاومت در برابر ظلم و نصرت کسانی که طلب یاری می‌کنند، از واجبات فطری می‌باشد» (علامه طباطبایی، بی تا، ج ۱۸، ص ۹۳-۹۴).

نکته مهمی که در آیه ﴿وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ﴾ محل توجه مفسران قرار گرفته، آن است که موضوع لزوم نصرت در آیه مذکور مربوط به مسلمانان ضعیفی است که به وظیفه شرعی خود در مهاجرت از دیار کفر به دیار ایمان عمل نکردند و همچنان بدون عذر در منطقه کفر باقی ماندند. از منظر قرآن

۱. نکته مذکور با تغییراتی جزئی از تفسیر نمونه، جلد ۲۰، صفحه ۴۲۴ استفاده شده است.

کریم، مسلمانان موظف‌اند حتی به چنین مسلمانانی نیز ولایت نصرت داشته باشند و آنان را در صورت انتصار، یاری رسانند.^۱

باید گفت مفاد آیات ذکرشده با مفاد آیه **﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾** (نساء (۴): ۷۵) هماهنگ است و با لحن شدید از مسلمانان می‌خواهد به ندای مظلومیت و استغاثه هم‌کیشان دربند خویش لبیک بگویند و زمینه‌رهایی آنان را فراهم کنند.

تطبیق

با توجه به آیات ذکرشده، آیا مردم مسلمان و مظلوم فلسطین را که با توطئه‌های استکباری نظام سلطه و خیانت برخی از سران خودفروخته عرب از خانه و کاشانه‌شان آواره گردیده‌اند و ندای مظلومیت و استغاثه‌شان به سوی مسلمانان و مجامع حقوق بشر بلند است، نمی‌توان مصداق **﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾** دانست؟ آیا راهکار حکیمانه امام خمینی رحمه‌الله در اختصاص آخرین جمعه ماه رمضان برای دفاع و حمایت از مردم فلسطین، چیزی جز لبیک به ندای قرآنی **﴿وَإِنْ اسْتَنْصَرُواكُم فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ﴾** است؟ انطباق قرآنی اندیشه امام خمینی در دفاع از ملت مظلوم فلسطین و اعلام روز جهانی قدس را از گفتار ذیل نیز می‌توان به دست آورد:

«دفاع از نوامیس و بلاد مسلمین و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم و خصوصاً در این وضعی که فرزندان واقعی فلسطین

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: فخرالدین رازی، تفسیر الرازی، ج ۱۵، ص ۲۱۱؛ علامه طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۱۴۱ و ج ۱۸، ص ۶۴.

اسلامی و لبنان، یعنی حزب‌الله و مسلمانان انقلابی سرزمین غصب‌شده، با نثار خون و جان خود فریاد "یا للمسلمین" سر می‌دهند، با تمام قدرت معنوی و مادی در مقابل اسرائیل و متجاوزان بایستیم و در مقابل آن‌همه سفاکی و ددمنشی مقاومت و پایمردی کنیم و به یاری آنان بشتابیم» (امام خمینی، بی تا، ج ۲۰، ص ۴۸۶).

۳. نفی سلطه کفار بر مسلمانان

در استنباط اصل مذکور از قرآن کریم به آیات متعددی می‌توان استناد کرد که بارزترین آن آیه ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (همان: ۱۴۱) است.

تبیین

آیه مذکور که بیانگر یکی از احکام مهم سیاسی - اجتماعی اسلام در نفی استیلای بیگانگان بر مسلمین و نفوذ در آن‌هاست، سند یکی از قواعد فقهیه‌ای است که فقهای اسلام از آن به عنوان قاعده نفی سبیل یاد کرده‌اند. اینان در کنار این قاعده قرآنی، روایت نبوی «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه» (ری شهری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۳۳۸؛ بخاری جعفری، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۹۶) را که مفادش برتری اسلام و مسلمین بر کفار است نیز بیان می‌کنند. در اینجا گفتار برخی از اعلام فریقین در تبیین آیه مذکور را برای اثبات مدعا - نفی سلطه کفار بر مسلمین - بیان می‌کنیم:

ابن عربی

وی در کتاب *أحكام القرآن* ضمن بیان معانی گوناگون در ذیل آیه مذکور، معتقد است:

بهترین معنا آن است که حکم خداوند بر نفی سلطه کفار بر مسلمانان در آیه مذکور مادامی است که مسلمین به تکالیف خویش در امر به معروف و نهی از منکر پایبند باشند: «...الثانی أن الله سبحانه لا يجعل

للكافرين على المؤمنين سبيلا منه إلا أن تتواصوا بالباطل ولا تتناهوا عن المنكر وتتقاعدوا عن التوبة فيكون تسليط العدو من قبلكم وهذا نفيس جداً» (ابن عربی، بی تا، ج ۱، ص ۶۴۰).

سید قطب

وی در تفسیر فی ظلال القرآن، آیه مذکور را بیانگر حکم نفی سلطه اجانب بر مسلمین دانسته و معتقد است:

تجارب تاریخی نشان داده است که مسلمین هر مقدار به آموزه‌های دینی شان پایبند بوده‌اند، به همان میزان از سلطه اجانب محفوظ مانده و بر آنان غلبه یافته‌اند (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۸۳).

آیت الله سبحانی

وی در کتاب البدعة مفهومها و آثارها، ذیل آیه نفی سبیل می‌نویسد: «آیه مذکور هر نوع سلطه کفار بر مؤمنین را نفی نموده و اختصاص به نفی تفوق و سلطه خاص ندارد. هر چند در عصر رسالت مصداق این آیه نفی سلطه کافر بر مسلمان به عنوان برده یا تملیک مصحف به آنان بوده، اما این امر در همه اعصار قابل جریان است؛ بنابراین شامل نفی سلطه اجانب بر بلاد اسلامی خواهد بود» (سبحانی، ۱۴۱۶، ص ۹۷).^۱

آیت الله فاضل لنکرانی

وی در کتاب القواعد الفقہیة ذیل آیه مذکور می‌نویسد:

۱. فالآیه تنفی أي سبیل للکافر علی المؤمن، فمن المعلوم أن السبیل مختلفة حسب تطویر الحضارات و كثرة المواصلات و تطویر العلاقات بین الناس، ففي عصر الرسالة كان السبیل السائد هو تسلط ألفرد الکافر علی المسلم بكون العبد المسلم رقا للکافر أو تمليک المصحف منه وما قاربها، و أما فی عصرنا هذا، فحدث عن السبیل و لا حرج، فأین هو من تدخل الکفار فی مصیر المسلمین حکومت و شعبا حتی صار رؤساء الحكومات الإسلامية أسرى بيد الاستکبار العالمی.

«هرچند مورد نفی سبیل در آیه شریفه مربوط به عدم تفوق کفار بر مسلمانان در قیامت می‌باشد، اما این عدم تفوق مختص به قیامت نبوده و همه انواع سلطه کفار بر مسلمانان در دنیا را نیز شامل می‌شود» (لنکرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۳۶).^۱

نتیجه آنکه براساس آیه نفی سبیل، اراده الهی بر تفوق و علو همیشگی مسلمانان بر کفار تعلق گرفته است و به برتری مسلمانان بر کفار و منافقان در قیامت یا برتری مسلمانان بر کفار در حجت و دلیل اختصاص نخواهد داشت؛^۲ بنابراین، هر نوع سلطه بیگانگان بر مسلمین خلاف شریعت است.

تطبیق

باید گفت متأسفانه به‌رغم تأکید قرآن کریم، مفاد آیه شریفه و نظایر آن که متضمن لزوم نفی سبیل کفار بر جوامع اسلامی است، اوضاع کنونی جهان اسلام بیانگر سلطه همه‌جانبه نظام کفر و استکبار بر بلاد اسلامی است. به‌وضوح می‌بینیم که سران خودفروخته برخی از کشورهای عربی به انواع روابط ذلت‌بار و تحقیرآمیز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی با صهیونیست‌ها و حامیان آنان تن می‌دهند و در جهت اهداف استعماری آنان قدم برمی‌دارند. یکی از عوامل اصلی این امر را باید مهجور بودن آموزه‌های قرآن کریم در نزد مسلمانان و نیز سطحی‌نگری‌شان در شناخت دشمن دانست.

۱. و قد اشتهر ان المورد لا يكون مخصّصاً ، غاية الأمر انّ المسبوقية توجب تعميم مفاد الآيه والحكم ، بان مرادها ان الله لن يجعل الغلبة للكافر على المؤمن ، لا في مقام التشريع وجعل الاحكام ، ولا في يوم القيامة ، وهذا المعنى مما يساعده ويؤيده تناسب الحكم والموضوع ؛ فان عدم جعل السبيل بهذا النحو الكلى يناسب عدم ثبوت الغلبة في يوم القيامة.

۲. برخی از مفسران و فقیهان آیه مذکور را اختصاص به برتری مسلمانان بر کفار در قیامت یا برتری آنان بر کفار در حجت و دلیل می‌دانند. رک: تفسیر الثعالبی، ج ۲، ص ۳۱۸؛ التفسیر الآصفی، ج ۱، ص ۲۴۸؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۹۱؛ الحدائق الناضره، ج ۱۸، ص ۴۲۵. مؤلف تفسیر المیزان نیز در ذیل آیه نفی سبیل، تعمیم آیه - نفی سلطه کفار بر مسلمین در دنیا و آخرت - را یکی از احتمالات می‌داند و شاهدهی از قرآن را در تأیید آن ذکر می‌کند. رک: المیزان، ج ۵، ص ۱۱۶.

عمق شناخت امام ع از اهداف نهایی صهیونیسم جهانی در سلطه همه جانبه بر مسلمانان در پیام های گوناگون ایشان قابل مشاهده است. ایشان در خطابی به سران کشورهای اسلامی می فرمایند:

«سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته اند، تنها برای سرکوبی ملت عرب نیست، بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است. نقشه، استیلا و سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر سرزمین های زرخیز و منابع سرشار کشورهای اسلامی می باشد» (امام خمینی، بی تا، ج ۳، ص ۲).

ایشان در بخشی از گفتارشان با استناد به قاعده قرآنی «نفی سلطه کفار بر جوامع اسلامی» می فرمایند:

«اصل دیگری هست که باز از اصول مهم است که مسلمین نباید تحت سلطه کفار باشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه کفار را قبول بکنند. این از اصولی [می باشد] که از امور سیاسی است و قرآن کریم طرح کرده است و مسلمین را به آن دعوت کرده است. ... ای مسلمان های جهان، قدرت های بزرگ دارند با حيله گری هایی که دارند و با تبلیغاتی که دارند و با کسانی که وابسته به آنهاست، در داخل کشورهای اسلامی بر همه چیز اسلام سلطه پیدا می کنند، پیدا کرده اند. اسلام را دریابید» (همان، ج ۱۶، ص ۳۴-۳۶).

بنابراین یکی دیگر از مبانی پیام جهانی امام در اعلام روز جهانی قدس را باید الهام گرفته از این آموزه قرآن کریم - آیه نفی سبیل - دانست که هیچ نوع سلطه

کفار بر جوامع اسلامی را بر نمی‌تابد و مسلمانان را به خروج از سیطره استکبار و قطع این روابط و سلطه فرامی‌خواند.

۴. خشم آفرینی در دشمن و برهم‌زدن تعادل او

از آیات متعدد قرآنی استفاده می‌شود که هر اقدامی که سبب خشم دشمن از مسلمانان گردد، ممدوح است و غفلت مسلمانان از آن روا نیست:

الف) ﴿مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا حُمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَّئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (توبه (۹): ۱۲۰).

تبيين

آیه مذکور ضمن هشدار و تأکید به مسلمانان در لزوم تبعیت مطلق از پیامبر ﷺ و مقدم دانستن حفظ جان او بر جان‌های خویش، به آنان بشارت می‌دهد که هر عملی از آنان که سبب برافروختن خشم دشمنان گردد - ﴿وَلَا يَطَّئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ﴾ - به عنوان عملی صالح برایشان در دیوان الهی ثبت خواهد شد: ﴿إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ﴾.

در تبیین این امر باید گفت یکی از آثار خشم‌آفرینی در دشمن - از راه‌هایی که در شریعت مجاز دانسته شده است - به‌هم‌ریختن تعادل روحی روانی اوست که این امر سبب سلب قوه تعقل از آنان خواهد بود؛ در نتیجه، تصمیماتشان برخاسته از خشم و احساسات خواهد بود و این امر ماهیت واقعی آنان و نقشه‌های شومشان را آشکار خواهد کرد. مفسران فریقین نیز ذیل آیه شریفه - برخی به‌اجمال و برخی به تفصیل - این مسئله را متذکر شده‌اند که برخی از آن‌ها را در این قسمت بیان می‌کنیم:

محمد جواد مغنیه

وی در تفسیر الکاشف می‌نویسد: «هرچند وارد شدن سپاهیان اسلام در سرزمین دیگران امری ناصحیح می‌باشد، اما براساس آیه مذکور، هرگاه ورود سپاه اسلام در سرزمین دشمن سبب دفع خطر و ضرر برای نظام اسلامی گردد یا مانع ظلم بر مناطق دیگر گردد - این عمل - امری مجاز بوده و به عنوان عمل صالح برای آنان ثبت خواهد شد» (مغنیه، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۷).^۱

سید محمد طنطاوی

وی که از مفسران بزرگ اهل سنت است، در التفسیر الوسیط للقرآن الکریم ذیل آیه شریفه ﴿و لا یطؤون موطئاً یغیظ الّکفار﴾ می‌نویسد:
 «أی و لا یدوسون مکانا من أمکنة الّکفار بأرجلهم أو بحوافر خیولهم من أجل إغاظتهم و إزعاجهم» (طنطاوی، بی تا، ج ۶، ص ۴۲۵).

آیت الله خامنه‌ای

رهبر معظم انقلاب نیز براساس همین آموزه قرآن کریم - خشم‌آفرینی در دشمن - یکی از معیارهای تمیز موضع حق از باطل را بررسی نوع واکنش دشمن در برابر اقدامات جبهه حق می‌داند و می‌فرماید: «هر حرکتی که دشمنان خونی ملت و نظام اسلامی، یعنی استکبار و صهیونیسم را خشمگین کند، حرکتی صحیح و در مسیر حق است و هر اقدام و مسیری که آن‌ها را خوشحال و ذوقزده کند و در تبلیغات و سیاست‌هایشان بر آن تأکید کنند، مسیری کج، غلط و زاویه‌دار است». ایشان در ادامه می‌فرمایند:

۱. و الإسلام لا یجیز لأحد کائنا من کان أن یطأ أرضاً لغيره إلا لسببین: الأول أن یكون ذلك لدفع الضرر عن أهلها، كما إذا شبت النار فی بیت من البیوت، فتدخله لإطفاء الحریق و دفع الضرر عن الہالك و المجاورین. السبب الثانی: ان تدخل قوۃ عادلة بلدا لتردع أهله عما یتنون من الظلم و العدوان علی بلد آخر.

«با این معیار، یعنی عکس‌العمل خشم‌گینانه یا شادمانه بیگانگان در مقابل حوادث و رویدادها، در بسیاری از موارد می‌توان اشتباهات را دریافت و جبران کرد» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۵ مهر ۱۳۸۸).

باید گفت یکی از دلایل به‌کارگیری اصل مذکور - خشم‌آفرینی - در دشمن آن است که سینه‌های آنان نیز مملو از خشم و عصبانیت از مسلمین است و درصدد نابودی کامل مسلمانان یا سیطره بر آنان هستند. این امر از برخی آیات قرآن نیز به دست می‌آید، نظیر آیه شریفه ﴿هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّوهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ إِنْ أَلَّهِ عَلَيْهِمْ بَدَأَتِ الصُّدُورُ﴾ (آل عمران (۳): ۱۱۹).

آیه مذکور ضمن اعلام به مسلمانان در فریب نخوردن از دوستی ظاهری دشمن، به آنان هشدار می‌دهد سینه دشمنان مملو از خشم به مسلمین است؛ به گونه‌ای که از شدت خشم بر آن‌ها سرانگشتان خود را می‌گزینند؛ از این‌رو به مسلمانان خطاب می‌کند که در برابر آنان قاطعانه مقاومت کنند و به آنان بگویند: ﴿مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ﴾.

تطبیق

راهکار امام علیه السلام در اعلام روز جهانی قدس بزرگ‌ترین ضربه را بر پیکر آمریکا و اسرائیل و دشمنان اسلام وارد کرد و سبب خشم فزاینده آنان گردید. تلاش گسترده آنان در ممانعت از برگزاری تظاهرات روز قدس و برنامه‌ریزی گسترده آنان در تشدید منازعات داخلی و تهدید به مداخلات نظامی جبهه استکبار همگی حاکی از شدت خشم و هراس آنان از موفقیت این راهکار است. باید گفت خشم‌آفرینی در دشمن از مصادیق جنگ نرم است که در عصر حاضر امری رایج است و تأثیر آن بیش از جنگ‌های فیزیکی است.

۵. ارهاب و تخویف دشمن

خوف دشمن از قدرت مسلمانان قطعاً یکی از عوامل اصلی بازدارنده تهاجم و طمع آنان در سلطه بر مسلمین است. به همین سبب، قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد با همه قوا - اقتدار همه‌جانبه خویش - در ابعاد مختلف نظامی، اقتصادی سیاسی و... در برابر دشمن بایستند و آن‌چنان خوفی در آنان ایجاد کنند که حتی تصور حمله به مسلمانان را نکنند: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ﴾ (انفال (۸): ۶۰).

تبیین

واژه ارهاب به معنای ترساندن همراه با ایجاد اضطراب و نگرانی بوده (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۲۰۴)^۱ و در آیه شریفه به معنای آن است که آمادگی دفاعی مسلمانان در برابر دشمن باید به حدی باشد که دشمن جرئت حمله به بلاد اسلامی را نداشته و همیشه از آنان بیمناک باشد. علامه طباطبایی در تبیین آیه مذکور ضمن طبیعی دانستن تضاد منافع جوامع بشری که سبب نبرد و تنازع بین آنان می‌گردد، می‌فرماید:

«براساس خطاب "و اعدوا" لازم است علاوه بر حاکمیت - نظام اسلامی - افراد جوامع اسلامی نیز در حد توان به تقویت بنیه دفاعی خویش در برابر دشمن کوشا باشند. ...دشمن منافع یک جامعه اسلامی دشمن منافع تمامی افراد است و بر همه افراد لازم است قیام نموده و دشمن را از خود و از منافع خویش دفع کنند

۱. الرهبة و الرهب: مخافة مع تحرز و اضطراب قال: ﴿لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً﴾ (الحشر (۵۹): ۱۳). راغب در کتاب قاموس قرآن، جلد ۳، صفحه ۱۲۵ بعد از معنای «رهب: ترس و بیان» در این باره می‌گوید: «ولی صحاح و قاموس و اقرب و مجمع آن را مطلق خوف گفته‌اند». ﴿لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ: البته شما در دل آن‌ها از خدا پرمهابت‌ترید﴾ (حشر (۵۹): ۱۳).

و نیز لازم است برای چنین روزی نیرو و اسلحه فراهم نموده، تا بتوانند منافع خود را از خطر دستبرد دشمن محفوظ دارند. هرچند تهیه برخی از ذخیره‌های دفاعی جز از عهده حکومت‌ها بر نمی‌آید، لیکن پاره‌ای از آن‌ها در دسترس دیگران بوده و امکان تهیه آن بدون حکومت نیز مقدور می‌باشد؛ چون حکومت هر قدر هم نیرومند و دارای امکانات زیادی باشد، به افراد مردم محتاج است؛ پس مردم هم باید فنون جنگی را آموخته و خود را برای روز مبادا آماده کنند؛ پس تکلیف "و اعدوا..." تکلیف به همه است».

وی فقره ﴿تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ در آیه مذکور را علت فقره نخست آیه، یعنی ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ﴾ دانسته و می‌فرماید:

«مفهوم این فراز از آیه آن است که مسلمانان مکلف‌اند امکانات دفاعی خویش را به مرحله‌ای برسانند که دشمنان خدا و دشمنان خویش را ترسانده و از آنان زهر چشم بگیرند».

وی در علت تعلق کلمه ارباب به ﴿عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ نیز می‌فرماید:

«علت این امر بیان حقیقت دشمنی کفار نسبت به مسلمین و نیز تحریک مسلمانان به لزوم هرچه بیشتر آمادگی دفاعی می‌باشد».^۱

طبری نیز در جامع‌البیان از ابن عباس نقل می‌کند:

که در معنای ﴿تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ اظهار کرد: «ترهیبون به عدو الله و عدوكم، قال: تخزون به» (طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۴۰)

همچنین ابن ابی حاتم در تفسیر خویش در معنای فقره مذکور می‌نویسد:

«ترهیبون به» یعنی تخوفون بالاسلح (با سلاح‌های خود سبب خوف آنان گردید)» (سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹).

۱. جهت توضیح بیشتر، رک: (علامه طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۱۱۴-۱۱۶).

تطبیق

اعلام روز جهانی قدس از سوی امام علیه السلام یکی از مصادیق آیه مذکور است. خوف و هراسی که اسرائیل و پشتیبانان او از این اقدام امام داشته و دارند، می‌تواند در مواضع انفعالی‌شان در برابر برگزاری این مراسم که هر سال در سراسر دنیا برگزار می‌شود، مشاهده کرد. امام درباره هراس اسرائیل از شعارهای روز قدس و آثار تدریجی آن در زوال و نابودی صهیونیسم می‌فرماید:

«وقتی یک میلیارد جمعیت فریاد کرد اسرائیل نمی‌تواند، از همان فریادش می‌ترسد. اگر همه مسلمینی که در دنیا الآن هستند، که قریب یک میلیارد هستند، اگر در روز قدس همه بیرون بیایند از خانه، فریاد بکنند "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر اسرائیل" و "مرگ بر شوروی"، همین قول "مرگ بر شوروی" برای آن‌ها مرگ می‌آورد» (امام خمینی، بی تا، ج ۱۳، ص ۸۰).

۶. لزوم هم‌بستگی و وحدت اسلامی در برابر جبهه کفر

یکی از قواعد برجسته اجتماعی - سیاسی اسلام، لزوم وحدت و انسجام مسلمانان در برابر جبهه کفر است. این اصل از آموزه‌های قطعی قرآن کریم است و آیات متعددی بر آن دلالت می‌کنند که برخی از آن‌ها را در این قسمت بیان می‌کنیم:

الف) ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران (۳): ۱۰۳).

تبیین

علامه جعفری در کتاب ترجمه و تفسیر نهج البلاغه ذیل آیه مذکور می‌فرماید:

«عظمت الهی وحدتی که این آیه مطرح نموده است، از چند موضوع روشن می‌شود: موضوع یکم کلمه حبل‌الله است که به معنای

دستاویز الهی است، نه طبیعی و نژادی و حقوقی و فرهنگی و احساساتی و غیر ذلک. به نظر می‌رسد که معنای حبل‌الله در این آیه شریفه همان عقاید و دستورات الهی است که با داشتن و عمل کردن به آن‌ها، گردیدن تکاملی اختیاری به وجود می‌آید و احساس وحدت عالی میان انسان‌ها به دنبال آن گردیدن به جریان می‌افتد؛ چنان‌که نتیجه به دنبال مقدمات خود می‌افتد. موضوع دوم جمله "فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ" است. پیوستن دل‌ها به هم و به وجود آمدن تألیف حقیقی میان آن‌ها بدون تردید نیازمند همان گردیدن است که در بالا متذکر شدیم. موضوع سوم جمله "فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا" است. در این جمله عامل آن هماهنگی و اخوت میان مردم دوران پیامبر اکرم ﷺ نعمت خداوندی معرفی شده و قطعی است که نعمت خداوندی نمی‌تواند وسیله خودخواهی و مال‌پرستی و جاه و مقام خواهی بوده باشد، بلکه این نعمت همان عامل الهی است که خصومت‌ها را به برادری تبدیل نموده است» (جعفری، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۲۸۸).

علامه محمدجواد مغنیه نیز در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید:

«مراد از حبل‌الله که مسلمانان براساس آیه مذکور به تمسک بدان دعوت شده‌اند، اسلام است؛ بدین‌گونه که مسلمانان در پرتو دین، کتاب و پیامبر واحد به وحدت حقیقی نایل خواهند شد: "والمراد بالحبل هنا الإسلام و معنى الآية بمجموعها ان المسلمین ما داموا أتباع دین واحد، و رسول واحد، و کتاب واحد، فعليهم جميعاً أن يراعوا هذه الرابطة الدينية التي هي أقوى من الرابطة النسبية، و ان يحرصوا عليها، و يعملوا بموجبها، و لا يتفرقوا شيعاً و أحزاباً"».

وی اخوت بین مسلمانان را که به برکت اسلام حاصل شده است، خارج از تعصبات دینی می‌داند و معتقد است این نوع اخوت زمینه‌ساز وحدت بشری است: «ان تدعیم الرابط بین اتباع الدین الواحد، تماماً کتدعیمها بین أفراد الحزب الواحد، أو الأسرة الواحدة... و لا تلازم بین هذا التدعیم و بین التعصب ضد الآخرين... بل علی العکس بالنسبة إلى الإسلام، حیث يدعو إلى التعاطف و التآلف بین جمیع أعضاء الأسرة الانسانية بصرف النظر عن أديانهم و أفكارهم و قومياتهم... و علیه تكون الاخوة الاسلامیة قوة و دعامة للاخوة الانسانية» (مغنیه، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۲-۱۲۳).

(ب) ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ﴾ (حجرات (۴۹): ۱۰).

تبیین

آیه مذکور نیز که بیانگر یکی از مهم‌ترین احکام اجتماعی اسلام است، ایمان را مبنای اخوت مسلمانان قرار داده است و از آنان می‌خواهد در صدد اصلاح بین خویش باشند و از هر نوع تشستی بپرهیزند. فخر رازی ضمن بیان اینکه کلمه اخوت در مواردی به کار می‌رود که بین افراد رابطه نسبی حاکم باشد، می‌گوید: «به‌کارگیری این واژه (اخوة) در آیه مذکور، مؤکد این امر است که باید بین مؤمنین نیز چنین رابطه‌ای - نظیر رابطه نسبی - حاکم باشد» (رازی، بی تا، ج ۲۸، ص ۱۲۹).^۱

وی در ادامه می‌نویسد:

«از واژه "انما" در آیه نیز به دست می‌آید که این نوع اخوت مختص جامعه مؤمنین بوده و بین مؤمن و کافر اخوتی نخواهد بود» (همان، ص ۱۳۰).

۱. قوله تعالى: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ * قال بعض أهل اللغة الأخوة جمع الأخ من النسب والإخوان جمع الأخ من الصداقة، فالله تعالى قال: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ * تأكيداً للأمر وإشارة إلى أن ما بينهم ما بين الأخوة من النسب والإسلام كالأب.

باید گفت در سایه آموزه‌های قرآن کریم درباره لزوم اعتصام جوامع اسلامی به حبیل‌الله و دعوت آنان به وحدت و اخوت اسلامی، پیامبر صلی الله علیه و آله توانست از قبایلی که در اثر جنگ‌های چندین‌ساله و خانمان‌سوز در معرض نابودی کامل قرار داشتند، ملتی نمونه به بشر عرضه کند که در قرآن کریم از آنان به عنوان برترین امت یاد شده است: «کتتم خیر أمة أخرجت للناس» (آل عمران (۳): ۱۱۰).

تطبیق

یکی از واژه‌هایی که در بسیاری از پیام‌های امام خمینی مشهود است، واژه وحدت و اتحاد اسلامی است. از منظر ایشان، سراسر قرآن نه تنها مسلمین را به وحدت اسلامی فرامی‌خواند، بلکه پیام قرآن در این زمینه جهانی است و بشر را به وحدت دعوت می‌کند:

«ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین، بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند، نجات دهد» (امام خمینی، بی تا، ج ۲۱، ص ۳۹۶).

امام خمینی علیه السلام آیه شریفه ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ را که ایمان را مبنای اخوت همه مسلمانان می‌داند، یکی از راهکارهای سیاسی حل مشکلات جهان اسلام می‌شمارد و می‌فرماید: «﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ یک حکم سیاسی است که اگر ملت‌های مسلم که تقریباً یک میلیارد جمعیت هستند، این‌ها برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر این‌ها واقع نمی‌شود و هیچ‌یک از

ابرقدرت‌ها قدرت اینکه تجاوز به آن‌ها نکنند، ندارند. برادرها، باید متوجه این معنا باشید» (همان، ج ۱۳، ص ۱۳۳-۱۳۴).

ایشان با استناد به آیه شریفه ﴿واعتصموا بحبلِ اللَّهِ جميعاً﴾ خطاب به سران دولت های به اصطلاح اسلامی منطقه می‌فرمایند:

«قرآن کریم دعوت به وحدت می‌کند و شما دعوت به تفرقه و مقابله با هم. باید عقل را پیشوای خودتان قرار بدهید و اسلام را مقتدای خودتان قرار بدهید و در مقابل اسلام همه خاضع باشید و به حکم عقل عمل کنید، عقل و اسلام می‌گوید شما باید با هم متحد باشید... . اسلام از شما وحدت می‌خواهد...، اعتصام به حبل‌الله می‌خواهد. چرا با هم اعتصام به حبل‌الله نمی‌کنید؟» (همان، ج ۱۵، ج ۹، ص ۱۲۹).

ایشان در بخش دیگری از پیامشان می‌فرمایند:

«مشکل عمده مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است و اگر مسلمین به حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است ﴿واعتصموا بحبلِ اللَّهِ جميعاً ولا تفرقوا﴾، اگر به همین یک امر و نهی عمل می‌کردند، تمام مشکلاتشان، مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌شان رفع می‌شد و هیچ قدرتی نمی‌توانست با آن مقابله کند؛ لکن مع‌الاسف به واسطه غفلت بعضی و عدم توجه بعضی و تغافل بعضی، از این امر محروم ماندند و تا این امر الهی تحقق پیدا نکند، باید مسلمین انتظار گرفتاری‌های بیشتر داشته باشند» (همان، ج ۹، ص ۱۲).

امام علیه السلام روز قدس را نماد وحدت جهان اسلام دانسته و آن را مقدمه تشکیل

حزب مستضعفان در سراسر جهان می‌داند:

«روز قدس یک روز اسلامی است و یک بسیج عمومی اسلامی است. من امیدوارم که این امر مقدمه باشد از برای یک حزب مستضعفین در تمام دنیا» (همان، ص ۲۸۰).

نتیجه آنکه آیات دال بر وحدت اسلامی را می‌توان یکی دیگر از مستندات قرآنی اعلام روز جهانی قدس از سوی امام (ره) دانست.

۷. لزوم اقتدار و عزت مسلمانان در برابر کافران

اصل عزت و اقتدار از مهم‌ترین اصول سیاسی و اجتماعی اسلام بوده که در قرآن کریم و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) بر آن تأکید فراوان شده است. واژه «عزت» در لغت به معنای حالتی است که مانع از شکست انسان می‌شود و همیشه مایه پیروزی و اقتدار اوست (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۳۲۲).^۱ در برابر واژه عزت، کلمه ذلت قرار دارد که به معنای شکست‌پذیری و مقهور شدن است (همان، ص ۱۸۱). از منظر قرآن کریم، همه عزت‌ها از آن خداوند متعال است و فقط در پرتو اتصال به او می‌توان به عزت حقیقی دست یافت. در سوره فاطر آمده است: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر (۳۵): ۱۰) و در سوره منافقون آمده است: ﴿وَاللَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (منافقون (۶۳): ۸).

تبیین

علامه طباطبایی در تبیین آیه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾ (فاطر (۳۵): ۱۰) می‌فرماید:

«عزت به معنای موجودی که قاهر و شکست‌ناپذیر است، مختص خداوند متعال می‌باشد؛ چون غیر از خدای عزوجل، همه موجودات در ذاتشان فقیر و در نفسشان ذلیل هستند، مگر آنکه خدا به او عنایت

۱. العزة حالة مانعة للانسان من أن يغلب من قولهم أرض عزاز أي صلبة.

نموده و سهمی از عزت به او بدهد؛ چنان‌که همین کار را با مؤمنین به خود کرده و فرموده: ﴿وَاللَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾: عزت خاص خدا و رسول خدا و مؤمنین است ﴿﴾ (علامه طباطبایی، بی تا، ج ۱۷، ص ۲۲، با استفاده از ترجمه ج ۱۷، ص ۲۸).

آلوسی از مفسران بزرگ اهل سنت نیز ذیل آیه ﴿وَاللَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقون ۶۳): ۸ در فرق بین عزت خداوند و عزت پیامبر ﷺ و عزت مؤمنان می‌نویسد:

«از منظر قرآن، عزت واقعی و ذاتی مختص خداوند متعال بوده و پیامبر ﷺ به واسطه قرب به خداوند و مؤمنین نیز به واسطه قرب و تبعیت از رسول الله ﷺ صاحب عزت می‌باشند: "لأن ما لله تعالى وحده العزة بالذات و ما للرسول ﷺ العزة بواسطة قربه من الله تعالى و ما للمؤمنين العزة بواسطة الرسول عليه الصلاة والسلام» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲۲، ص ۱۷۳).

قرآن کریم در آیه ﴿إِيْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾ (نساء ۴): ۱۳۹ نیز منافقان را که خواهان عزت و اقتدار از طریق توسل به قدرت‌های غیرالهی‌اند، خطاکار می‌داند و به آنان اعلام می‌کند که اقتدار و عزت حقیقی فقط با اتصال به قدرت الهی به دست می‌آید.

تطبیق

به‌رغم تأکید قرآن کریم به لزوم اقتدار و عزت‌طلبی مسلمانان و احتراز از اموری که سب ذلت و حقارت آنان می‌گردد، همچنان می‌بینیم بسیاری از حاکمان سرسپرده جوامع اسلامی اوضاع ذلت‌باری را برای مسلمانان رقم زده و می‌زنند. یکی از بارزترین این ذلت‌ها زمانی اتفاق افتاد که یکی از سران سرسپرده

کشورهای اسلامی (مصر) با امضای پیمان کمپ دیوید به اشغالگری صهیونیسم بین‌الملل در فلسطین اشغالی رسمیت بخشید.

امام علیه السلام در وضعیتی که مسلمانان در اوج حقارت و تهاجم دشمن صهیونیستی و پشتیبانان آنان قرار داشتند، با الهام از قرآن کریم و اعلام روز جهانی قدس بار دیگر روحیه عزت‌طلبی و غیرت اسلامی را به نمایش گذاشتند و مسلمانان را برای رهایی از این اسارت و ذلت فراخواندند. در بخشی از پیام امام علیه السلام به مناسبت روز قدس که روحیه عزت‌طلبی از آن موج می‌زند، آمده است:

«روز قدس اعلام به این است که مسلمین به پیش برای پیشرفت در همه اقطار عالم. روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است، روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بیرق آن برافراشته شود. روزی است که باید به ابرقدرت‌ها فهماند که دیگر آن‌ها نمی‌توانند در ممالک اسلامی پیش‌روی کنند» (امام خمینی، بی تا، ج ۹، ص ۲۷۸).

ایشان در لزوم ذلت‌ناپذیری مسلمانان می‌فرمایند:

«اگر ما همه از بین برویم، بهتر است [از] اینکه دلیل باشیم زیر دست صهیونیسم و زیر دست آمریکا. ننگ بر آن اعرابی که برای خاطر سلطه کمی که به کشوری پیدا کنند و برای خاطر استفاده‌هایی که پیدا کنند، تن به یک همچو ذلتی بدهند و ننگ بر همه ما چنانچه ساکت بنشینیم!» (همان، ج ۱۵، ص ۳۷۲).

ایشان عامل عزت و سیادت مطرح‌شده در آیه شریفه ﴿لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَ

لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقون (۶۳): ۸) را وحدت کلمه می‌دانند و می‌فرمایند:

«تا وحدت کلمه نباشد، تا رؤسای اسلام وحدت کلمه در خودشان

ایجاد نکنند، تا فکر نکنند بر بدبختی‌های ملت‌های اسلام، بدبختی‌های

اسلام، بدبختی‌های احکام اسلام، غربت اسلام و قرآن کریم، سیادت نمی‌توانند بکنند. باید فکر کنند، عمل کنند، تا سیادت کنند و اگر این مطلب را انجام بدهند، سید دنیا خواهند شد. اگر اسلام را آن‌طوری که هست، به دنیا معرفی کنند و آن‌طوری که هست، عمل بکنند، سیادت با شماست، بزرگی با شماست: "لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ" (امام خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵).

باید گفت مواضع عزت‌بخش امام علیه السلام در اعلام روز جهانی قدس سبب زنده نگه داشتن مسئله فلسطین و بیداری مسلمانان در احیای هویت اسلامی‌شان گردید که تاکنون این حرکت تاریخی به عنوان نماد سالانه برائت از ظلم در سراسر جهان استمرار دارد.

۸. احیای اصل امر به معروف و نهی از منکر

از بزرگ‌ترین اصول اجتماعی و سیاسی اسلام که ضامن حیات و عزت مسلمانان خواهد بود، اصل امر به معروف و نهی از منکر است. در بسیاری از آیات قرآن کریم به این دو اصل مهم اسلام تأکید شده است. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر از منظر قرآن کریم به حدی است که از آن به عنوان عامل برتری امت اسلامی بر سایر امت‌ها یاد شده است: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران (۳): ۱۱۰). در روایتی از امام باقر علیه السلام اجرای تمامی احکام شریعت به اقامه این اصل مبتنی شده است: «فريضة عظيمة بها تقام الفرائض» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۱۱۹).

تبیین

در اینجا دیدگاه دو شخصیت اسلامی را درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کنیم:

الف) سید قطب

سید قطب در ذیل آیه ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ﴾ می‌نویسد:

«سزاوار است امت اسلامی منزلت خویش را با الهام از این آیه شناخته و بداند که تنها با تخلق به اوصاف ذکرشده در آیه مذکور می‌تواند رهبری جوامع بشری را به عهده گرفته و برترین امت‌ها گردد: "و هذا ما ينبغي أن تدركه الأمة المسلمة؛ لتعرف حقيقتها و قيمتها و تعرف أنها أخرجت لتكون طليعة و لتكون لها القيادة، بما أنها هي خير أمة و الله يريد أن تكون القيادة للخير لا للشر في هذه الأرض و من ثم لا ينبغي لها أن تتلقى من غيرها من أمم الجاهلية" (شاذلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۴۷). از نظر سید قطب، ویژگی جامعه اسلامی اقامه امر به معروف و نهی از منکر است و بدون آن جامعه اسلامی وجود حقیقی نخواهد داشت:

«قد سبق في السياق الأمر التكليفي للجماعة المسلمة أن يتدب من بينها من يقومون بالدعوة إلى الخير و الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر، أما هنا فقد وصفها الله سبحانه بأن هذه صفتها. ليدلها على أنها لا توجد وجودا حقيقيا إلا أن تتوافر فيها هذه السمة الأساسية، التي تعرف بها في المجتمع الإنساني. فإما أن تقوم بالدعوة إلى الخير و الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر - مع الإيمان بالله - فهي موجودة و هي مسلمة. و إما أن لا تقوم بشيء من هذا فهي غير موجودة، و غير متحققة فيها صفة الإسلام» (همان، ص ۴۴۸).

وی در ادامه تفسیر آیه مذکور به روایاتی که بیانگر نقش مهم امر به معروف و نهی از منکر در صلاح و فساد جامعه است، استناد می‌کند، نظیر روایت نبوی «و الذي نفسی بيده لتأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنكر، أو ليوشكن الله أن يبعث

علیکم عقابا منه، ثم تدعونہ فلا یستجیب لکم» (همان). در این روایت، پیامبر ﷺ ضمن هشدار به مسلمانان، قسم یاد می‌کند در صورت ترک امر به معروف و نهی از منکر منتظر عذاب الهی و مستجاب نشدن دعاهایتان باشید.

(ب) شهید مطهری

شهید مطهری نیز معتقد است قوام جامعه اسلامی به اجرای این اصل است و در صورت غفلت از آن، جامعه اسلامی نابود خواهد شد:

«امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکانی است که به نص صریح متون اسلامی و گفته پیغمبر اکرم اگر از بین برود، تمام تعلیمات اسلامی از بین رفته است. اگر این اصل منسوخ شود، جامعه اسلامی به صورتی که باید وجود داشته باشد، هرگز وجود نخواهد داشت، جامعه از بین می‌رود» (مطهری، نرم‌افزار مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۲۸۲).

وی در بخش دیگری از کلام خود در این باره می‌فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مبقیه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست» (همان، ص ۲۳۶).

وی درباره کارنامه مسلمانان درباره امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

«متأسفانه کارنامه ما مسلمین در این زمینه درخشان نیست. از آن نظر کارنامه درخشانی نیست که اولاً ما آن حساسیتی را که اسلام در این زمینه دارد، نداریم؛ یعنی آن اهمیتی را که اسلام به این موضوع داده است، درک نکرده‌ایم و ثانیاً در حدودی هم که به حساب و خیال خودمان به اهمیت این موضوع پی برده‌ایم، واجد شرایط آن نبوده‌ایم» (همان، ص ۲۸۲).

وی در ادامه می‌فرماید:

«کارنامه ما در زمینه هم‌بستگی، همدردی و تعاون اسلامی، در زمینه تعارف (به تعبیر قرآن) یعنی شناسایی اسلامی که یکدیگر را بشناسیم، به احوال یکدیگر آگاه و به سرنوشت‌های یکدیگر علاقه‌مند باشیم، کارنامه بسیار بسیار ضعیفی است، اگر نگویم تاریک و ننگین است» (همان، ص ۲۸۴).

نکته مهم در مسئله امر به معروف و نهی از منکر گستره آن است؛ به گونه‌ای که تمام اهداف اسلام در پرتو آن اجرا می‌شود. شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

«معروف و منکر از نظر اسلام محدود به حدّ معین نمی‌شود. تمام هدف‌های مثبت اسلامی داخل در معروف و تمام هدف‌های منفی اسلامی داخل در منکر است» (همان، ص ۲۸۲).

وی در تبیین آیه شریفه ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ می‌فرماید:

«باید در میان شما یک امت، یک جمعیت، کارش امر به معروف و نهی از منکر باشد. [این معنی در صورتی است که] "مِن" را "مِن" تبعیضی بگیریم. اگر طور دیگر تفسیر کنیم، معنایش این است: از شما امت، چنین امتی باید ساخته شود؛ یعنی همه شما باید چنین امتی باشید (امر به معروف و نهی از منکر کنید)».

آن‌گاه در مقایسه دو تفسیر مذکور با یکدیگر می‌فرماید:

«هر دو تفسیر درست است و با هم منافات ندارند؛ چون امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است برای همه مردم و وظیفه خاصی است برای یک طبقه معین که از حد عامه مردم بیرون است. باید از میان

شما چنین جمعیتی باشد یا باید شما امت چنین امتی باشید که کارتان دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر باشد: ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ تنها چنین امتی که در میان آن‌ها دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد، می‌تواند رستگار، سرفراز، سعادتمند و مستقل باشد، صلاح و رستگاری داشته باشد» (همان، ص ۲۱۸).

تطبیق

متأسفانه این اصل بنیادی و محوری اسلام و نیز اصل جهاد که از مراتب عالی امر به معروف و نهی از منکر است، همانند بسیاری از اصول اسلام همچنان در جوامع اسلامی مهجور مانده است. امام رحمته در آسیب‌شناسی جوامع اسلامی به خوبی می‌دید که یکی از عوامل اصلی انحطاط مسلمین و سلطه کفار بر آنان، مهجور ماندن این دو اصل بزرگ قرآنی در بین آنان است؛ از این رو با احیای این دو اصل بنیادین توانست بار دیگر عزت و اقتدار اسلامی را به رخ جهانیان بکشد. در همین باره، ایشان ضمن همراهی با ملت مظلوم و مبارز فلسطین در برابر صهیونیست‌ها، از مسلمانان جهان می‌خواهد که به یاری آنان برخیزند:

«قرآن در احکام سیاسی دستور قتال می‌دهد با کسانی که با مسلمین مقاتله می‌کنند و امروز اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده و مقاتله می‌کند، آمریکا در مقابل مسلمین ایستاده و مقاتله می‌کند. ... خدا دستور داده است به اینکه با این اشخاصی که بر ضد مسلمین، بر ضد طایفه‌ای از مسلمین قیام کرده‌اند، با آن‌ها مقاتله کنید» (امام خمینی، بی تا، ج ۱۶، ص ۳۹).

ایشان با تمسک به آیه ﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَحْسَبُونَ كَسَادًا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ﴾ (توبه (۹): ۲۴) می‌فرمایند:

«این آیه خطاب به مصلحت‌اندیشان و سازش‌کاران و متأسفان برای شهادت جوانان و ازدست‌رفتن مال‌ها و جان‌ها و خسارت‌های دیگر وارد شده است و جالب آنکه بعد از حبّ خدای تعالی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در بین تمام احکام الهی، "جهاد فی سبیل الله" را ذکر فرموده و تنبه داده‌اند که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام و حافظ اصول است. ایشان تذکر داده‌اند که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید» (امام خمینی، بی تا، ج ۲۰، ص ۳۱۲).

بر این اساس، اعلام روز جهانی قدس از سوی امام را باید نوعی اعلام جهاد و نیز اقامه امر به معروف و نهی از منکر در برابر تهاجم همه‌جانبه مستکبران جهانی دانست. باید گفت در اثبات قرآنی بودن اندیشه امام علیه السلام در اعلام روز جهانی قدس، علاوه بر آیات مذکور در مقاله، به آیات دیگری نیز می‌توان استناد کرد - که به دلیل اختصار از تبیین آن صرف نظر می‌کنیم - نظیر آیه **﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾** (مائده (۵): ۵) و نیز آیه **﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾** (فتح (۴۸): ۲۹) که از آیه نخست، اصل لزوم همکاری و مشارکت در امور خیر و از آیه دوم، اصل صلابت و خشونت در برابر دشمن به دست می‌آید.

نتیجه‌گیری

اقدام تاریخی و ماندگار امام خمینی علیه السلام در اعلام روز جهانی قدس که برای اعلام هم‌بستگی مسلمانان جهان در حمایت همه‌جانبه از ملت فلسطین صورت گرفت، از عمق نگرش ایشان به معارف قرآن کریم نشئت گرفته است. اصولی همانند اصل دفاع از مظلوم - با قطع نظر از هرنوع عقیده و مذهب - دفاع از

مسلمانان و بلاد اسلامی تحت ستم، نفی سلطهٔ اجانب بر مسلمانان، عزت‌طلبی، خشم‌آفرینی در دشمن و... را که برگرفته از قرآن کریم است، می‌توان مبانی فکری امام خمینی رحمه‌الله در اعلام روز جهانی قدس دانست. پیام‌ها و هشدارهای سرنوشت‌ساز امام رحمه‌الله در اهتمام مسلمانان به گرامی‌داشت آخرین جمعهٔ ماه رمضان در دفاع از ملت فلسطین، اکنون به عنوان نماد سالانهٔ مبارزه با استکبار در جهان مبدل گردیده است و در صورت استمرار، زمینه‌ساز اقتدار و عظمت مسلمین و ذلت دشمنان خواهد بود، ان‌شاءالله.

فهرست منابع

- *. قرآن کریم.
** نهب البلاغه.
۱. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعاني في تفسير القرآن المعروف بتفسير آلوسی، بیروت، (بی نا).
 ۲. ابن عربی، محمد بن عبد الله بن ابوبکر (بی تا)، أحكام القرآن، به تحقیق محمد عبدالقادر عطا، لبنان، دارالفکر.
 ۳. احمدی میانجی، علی (۱۹۹۸م)، مکاتیب الرسول ﷺ، (بی جا)، دارالحديث، الطبعة الأولى.
 ۴. اصفهانی، ابي القاسم حسین بن محمد المعروف بالراغب (بی تا)، المفردات فی غریب القرآن، (بی جا)، (بی نا).
 ۵. _____ (۱۴۲۷ق)، مفردات ألفاظ القرآن، به تحقیق صفوان عدنان داوودی، (بی جا)، النور، چاپ دوم.
 ۶. بحرانی، یوسف (بی تا)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی لجماعة المدرسين.
 ۷. بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م)، صحیح البخاری، (بی جا)، دارالفکر.
 ۸. ثعالبی مالکی، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف ابی زید (بی تا)، تفسیر الثعالبی المسمى بالجواهر الحسان فی، (بی جا)، (بی نا).
 ۹. (بی تا)، تفسیر القرآن، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض و الشیخ عادل أحمد عبدال موجود و شارک فی تحقیقه الأستاذ الدكتور عبدالفتاح أبوسنة، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
 ۱۰. جعفری، محمد تقی (۱۳۶۸ش)، ترجمه و تفسیر نهب البلاغه، (بی جا)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.

١١. حرّ عاملي، محمد بن حسن (١٤١٤ق)، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت (عليه السلام) لإحياء التراث، الطبعة الثانية.
١٢. حسيني بحراني، هاشم (بي تا)، البرهان في تفسير القرآن، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، (بي نا).
١٣. رازي، فخر الدين (بي تا)، تفسير الرازي، (بي جا)، (بي نا)، الطبعة الثالثة.
١٤. رى شهري، محمد (١٤١٦ق)، ميزان الحكمه، (بي جا)، دار الحديث، الطبعة الثانية.
١٥. سبحاني، جعفر (١٤١٦ق)، البدعة مفهوماً حدها و آثارها، قم، مؤسسة الإمام الصادق (عليه السلام).
١٦. سمرقندي، ابوالليث (بي تا)، تفسير السمرقندي، تحقيق محمود مطرجي، بيروت، دار الفكر.
١٧. شاذلي، سيد بن قطب بن ابراهيم (١٤١٢ق)، في ظلال القرآن، بيروت، قاهره، دار الشروق.
١٨. الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن بن هبة الله بن عبدالله (١٤١٥ق / ١٩٩٥م)، تاريخ مدينة دمشق، دراسة و تحقيق: علي شيري، بيروت، دار الفكر.
١٩. طنطاوي، محمد (بي تا)، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، (بي جا)، (بي نا).
٢٠. طباطبائي، محمد حسين (بي تا)، الميزان في تفسير القرآن، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
٢١. طبري، ابي جعفر محمد بن جرير (١٤١٥ق / ١٩٩٥م)، جامع البيان عن تأويل آيات القرآن، ضبط و توثيق و تخريج: صدقي جميل العطار، (بي جا)، دار الفكر.
٢٢. فيض كاشاني، محمد محسن (١٣٧٦ش)، الأصفى في تفسير القرآن، تحقيق مركز الأبحاث و الدراسات الإسلامية، قم، مكتب الأعلام الإسلامي.
٢٣. لنكراني، محمد فاضل (١٤١٦ق)، القواعد الفقهية، قم، مهر، چاپ اول.
٢٤. ليشي واسطى، علي بن محمد (١٣٧٦ش)، عيون الحكم و المواعظ، تحقيق الشيخ حسين الحسيني البيرجندی، (بي جا)، دار الحديث، الطبعة الأولى.

۲۵. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۵۲)، قاموس قرآن، (بی‌جا)، دارالکتاب الإسلامی، چاپخانه فردوسی، چاپ ششم.
۲۶. مغنیه، محمدجواد (بی‌تا)، التفسیر الکاشف، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ دوم.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱ش)، تفسیر نمونه، (بی‌جا)، دارالکتب الإسلامیة، چاپ بیست‌ودوم.
۲۸. موسوی خمینی، روح‌الله (بی‌تا)، صحیفه امام خمینی، ۲۱ ج، (بی‌جا)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲۹. نرم‌افزار مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۰. نرم‌افزار مجموعه آثار شهید مطهری علیه السلام.
۳۱. نرم‌افزار مکتبه أهل البيت علیهم السلام.
۳۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.